

## آثار اخروی عفو و گذشت از منظر آیات و روایات

نقیسه قنبری\*

صغری گرجی چالسبازی\*\*

### مقدمه

از آنجاکه انسان موجودی ممکن الخطاست، زندگی او سرشار از خطاهایی است که از وی سر می‌زند. در این راستا بررسی حقیقت «عفو»، امر مهمی است که باید ابعاد آن به‌دقت بررسی شود. در تعالیم دینی به مسئله عفو و گذشت توجه خاصی شده است. «عفو» به معنای گذشت از تقصیر و اشتباه دیگران، نرمی در برخورد و سخت‌گیری نکردن در برابر خطای دیگران، از صفات پسندیده‌ای است که در آیات و روایات ستایش شده است. شخص می‌تواند با به‌کار بردن این صفت در زندگی خود، از ثمره‌های دنیوی و اخروی آن بهره‌مند شود. نوشتار حاضر به بررسی عفو و آثار اخروی آن از دیدگاه آیات و روایات پرداخته است.

### ۱. حقیقت عفو

«عفو» یعنی از عقوبت مستحق عقوبت، صرف‌نظر شود.<sup>۱</sup> قرآن کریم «عفو» را از صفات بارز خداوند می‌داند و مؤمنان را به برخورداری از این ویژگی شایسته توصیه کرده است. «عفو» ضدانتقام است و آیات و اخبار در مدح و حسن آن زیاد است.<sup>۲</sup> در واقع یکی از بزرگ‌ترین فضایل اخلاقی است که رسیدن به آن کار آسانی نیست؛ زیرا بسیاری از مردم کینه‌ها را در سینه‌های خود

\* دانش‌آموخته جامعه الزهراء (ع.ا.س).

\*\* دانش‌آموخته جامعه الزهراء (ع.ا.س).

۱. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۲، ص ۲۵۸؛ ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۵۶.

۲. احمد بن محمد مهدی نراقی، معراج السعادة، ص ۲۴۷.

پنهان می‌کنند و همواره در انتظار روزی هستند که بر دشمن پیروز شوند و چندبرابر از او انتقام بگیرند، نه فقط بدی را به بدی پاسخ گویند، بلکه یک بدی را به چند بدی پاسخ دهند. از همه بدتر اینکه گاه به این صفت رذیله و بسیار زشت افتخار هم می‌کنند و می‌گویند ما کسی هستیم که پس از پیروزی بر دشمن با او چنین و چنان کردیم.<sup>۱</sup> بر این اساس اگر مؤمن از کسی بدی دید، چنانچه در شرع اسلام برای آن انتقام مقرر شده، به همان بسنده کند، نه بیشتر؛ همچنین اگر از آن هم چشم‌پوشی و عفو نماید، بهتر است.<sup>۲</sup>

## ۲. جایگاه و اهمیت عفو

خداوند متعال عفو و گذشت را در دنیا و آخرت به عزّت و کرامت تبدیل می‌کند. کسی که از گناه دیگری درگذرد، لطف و رحمت الهی شامل حال او می‌شود. خداوند می‌فرماید: «وَأَلْيَعْفُوا وَيُلِيصَفُوا أَلَّا تَحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ...»<sup>۳</sup> آنها باید عفو کنند و چشم‌پوشند؛ آیا دوست نمی‌دارید خداوند شما را ببخشد؟». طبرسی ذیل این آیه آورده است هر کس از خطا و گناه دیگران درگذرد، خداوند رحیم در پاداش عفو وی را می‌آمزد.<sup>۴</sup> در این آیه شریفه افزون بر عفو، به صفح اشاره شده است. صفح به معنای «ترک‌کردن و منصرف‌شدن» است؛ از این‌رو «صَفَحْتُ عَنْ فُلَانٍ» به معنای «از گناه فلانی چشم‌پوشی کردم» است.<sup>۵</sup> صفح، یک مرتبه از عفو برتر است؛<sup>۶</sup> زیرا در صفح، افزون بر بخشش خطا، به خطاکار روی خوش نشان داده می‌شود و در واقع خطای او فراموش می‌شود و هیچ نوع شماتتی در برابر او انجام نمی‌شود؛ اما در عفو شماتت و مذمت زبانی نفی نشده است.<sup>۷</sup> امام زین‌العابدین علیه السلام در معنای عبارت «فَأَصْفَحَ

۱. ناصر مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۳، ص ۴۰۹.

۲. محمدعلی جزایری، دروس اخلاق اسلامی، ص ۱۷۳.

۳. نور: ۲۲.

۴. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۷، ص ۱۱۸.

۵. ر.ک: اسماعیل بن حماد جوهری فارابی، الصحاح، ج ۱، ص ۳۸۲؛ خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۳، ص ۱۲۲.

۶. ر.ک: أبوهلال العسكري، فروع فی اللغة، ص ۳۶۲.

۷. ر.ک: سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۱۹۰؛ ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۲۸۰ و ج ۱۹، ص ۵۱۶.

الصَّفْحَ الْجَمِيلَ»<sup>۱</sup> فرموده است: «یعنی بخشش بدون عتاب».<sup>۲</sup>

از امام علی علیه السلام نقل شده است: «أَوْلَى النَّاسِ بِالْعَفْوِ أَقْدَرُهُمْ عَلَى الْعُقُوبَةِ»<sup>۳</sup> سزاوارترین مردمان به عفو کردن، قادرترین ایشان است به عقوبت کردن». پیامبرگامی اسلام صلی الله علیه و آله در حدیث دیگری فرمودند: «مَنْ يَعْفُ يَعْفُ اللَّهُ عَنْهُ»<sup>۴</sup> هر کس عفو و گذشت داشته باشد، خدا نیز از او گذشت خواهد نمود». امام علی علیه السلام به همه ما توصیه کرده است عادت به عفو و گذشت داشته باشیم: «عَوِّذُ نَفْسِكَ السَّمَّاحُ»<sup>۵</sup>. این حدیث به مسلمانان دستور می دهد خودشان را به گذشت و جوانمردی عادت بدهند. توصیه خداوند به عفو آن است که در تلافی و قصاص، امکان زیاده روی و تجاوز از اندازه مجاز بسیار زیاد است و جبران بدی با بدی یا قصاص به همان اندازه که واقع شده است، در اغلب موارد بسیار دشوار است. چه بسا ستمدیده هنگام تلافی و قصاص، به دلیل زیاده روی به ستمکار تبدیل شود؛ بنابراین خداوند ستم دیدگان را به عفو فرا می خواند تا افزون بر اصلاح روابط فیما بین، ستم دیدگان از پاداش فراوان پروردگار بهره مند شوند.

### ۳. آثار اخروی عفو

ویژگی گذشت از فضیلت‌ها و ارزش‌های اخلاق انسانی است که به حکم سیره عقلایی مورد توجه قرار گرفته است. خداوند نیز در بدترین گناه یک گنهکار یعنی قتل، ابتدا جانب مظلوم را رعایت می کند و حق قصاص را برایش تشریح می نماید؛ اما عفو گناهی چون قتل را نیز توصیه کرده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحَرْبِ بِالْحَرْبِ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَى بِالْأُنْثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدِ إِلَىٰ إِيَّاهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ»<sup>۶</sup> ای افرادی که ایمان آورده‌اید، حکم قصاص در مورد کشتگان بر شما نوشته شده است: آزاد در برابر آزاد، و برده در برابر برده، و زن در برابر زن، پس اگر کسی از سوی برادر [دینی] خود، چیزی به او بخشیده شود، [و حکم قصاص

۱. حجر: ۸۵.

۲. عبدعلی بن جمعه حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۲۷؛ محمد بن علی ابن بابویه، الأمالی، ص ۱۳۲، ح ۱۲۱ (به نقل از امام رضا).

۳. نهج البلاغه، حکمت ۵۲.

۴. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۹۱.

۵. علی بن محمد لثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۴۰.

۶. بقره: ۱۷۸.

او، تبدیل به خونبها گردد،] باید از راه پسندیده پیروی کند. [و صاحب خون، حال پرداخت کننده دیه را در نظر بگیرد.] و او [قاتل] نیز، به نیکی دیه را [به ولی مقتول] بپردازد؛ [و در آن، مسامحه نکند.] این تخفیف و رحمتی است از ناحیه پروردگار شما و کسی که بعد از آن تجاوز کند، عذاب دردناکی خواهد داشت».

دستور عادلانه «قصاص» و «بخشش»، مجموعه‌ای کاملاً انسانی و منطقی است که از طرفی روش غلط جاهلیت را نفی می‌کند که چند نفر در برابر یک نفر کشته می‌شدند؛ از طرف دیگر راه عفو و بخشایش را بر مردم نمی‌بندد و با این وجود احترام خون انسان را نیز کاهش نمی‌دهد و قاتلان را جسور نمی‌سازد.<sup>۱</sup> زمانی که انسان از خشم و غضب چشم‌پوشی کند و گنهکار را عفو کند، به مراتبی از کمال دست می‌یابد؛ آن‌گاه که افزون بر آن احسان نیز کند، به مرتبه نهایی کمال عفو می‌رسد؛ هم‌زمان با بهره‌مندی شخص بخشنده از عفو، فرد خطاکار بلکه جامعه نیز از آن بهره‌مند می‌گردد. در واقع از جمله اخلاق کریمانه که شخصیت انسانی را به مکارم اخلاقی نزدیک می‌کند و اوج اخلاقی شخص را به نمایش می‌گذارد، عفو و گذشت از گناه، خطا و لغزش‌های دیگری و خودداری از مجازات و تنبیه است.

#### الف) کفاره گناه

اگر انسان بخواهد کفاره گناهان خود را بدهد و گناهان وی پوشیده و نادیده گرفته شود، باید اهل عفو و گذشت باشد. اگر انسان در شرایط سختی چون قصاص از حق خویش و از جان قاتل درگذرد، چنین عفو و گذشتی ارزشمندتر است و کفاره گناهان خود عفوکننده می‌شود. خداوند می‌فرماید: «وَكُتِبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»<sup>۲</sup> و بر آنها [بنی اسرائیل] در آن [تورات] مقرر داشتیم که جان در مقابل جان، و چشم در مقابل چشم، و بینی در برابر بینی، و گوش در مقابل گوش، و دندان در برابر دندان می‌باشد و هر زخمی، قصاص دارد؛ و اگر کسی آن را ببخشد [و از قصاص، صرف‌نظر کند]، کفاره [گناهان] او محسوب می‌شود؛ و هر کس به احکامی که خدا نازل کرده حکم نکند، ستمگر است». این آیه به تبعیض‌های ناروای موجود در عصر جاهلیت پایان می‌دهد. بر اساس

۱. محمدعلی رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ج ۲، ص ۹۶.

۲. مانده: ۴۵.

برخی از تفسیرهای قرآن، میان دو طایفه یهود مدینه در آن دوران نابرابری عجیبی وجود داشت: اگر فردی از طایفه بنی النضیر، فردی از طایفه بنی قریظه را می‌کشت، قصاص نمی‌شد؛ ولی اگر کسی از طایفه بنی قریظه فردی از طایفه بنی النضیر را به قتل می‌رساند، کشته می‌شد. هنگامی که اسلام به مدینه آمد، بنی قریظه در این باره از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سؤال کردند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: خون‌ها با هم فرق ندارد. طایفه بنی النضیر زبان به اعتراض گشودند که مقام ما را پایین آوردی. این آیه نازل شد و به آنها اعلام کرد نه تنها در اسلام، در آیین یهود نیز این قانون به طور مساوی وجود داشته است؛ ولی برای آنکه این توهم پیش نیاید که خداوند قصاص کردن را الزامی دانسته است و دعوت به مقابله به مثل کرده است، به دنبال این حکم می‌فرماید: «اگر کسی از حق خود بگذرد و عفو و بخشش کند، کفاره‌ای برای گناهان او محسوب می‌شود و به همان نسبت که گذشت به خرج داده، خداوند از او گذشت می‌کند.»<sup>۱</sup> «فمن تصدق به» به معنای کسی است که قصاص را عفو کند.<sup>۲</sup> پس عفو از قصاص را به سبب گناهان دیگرش مواخذه نمی‌کند و از وی درمی‌گذرد؛ این بر اساس همان قاعده «ارحم ترحم؛ رحم کن تا رحم شوی» است.

### ب) دخول در بهشت

در حدیثی از امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام به نقل از ابو حمزه ثمالی چنین آمده است: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ، ثُمَّ يَنَادِي مُنَادٍ: أَيْنَ أَهْلُ الْفَضْلِ؟ قَالَ: فَيَقُومُ عُتْقُ مِنَ النَّاسِ، فَتَلْقَاهُمُ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُونَ: وَ مَا كَانَ فَضْلُكُمْ؟ فَيَقُولُونَ: كُنَّا نَصِلُ مَنْ قَطَعَنَا، وَ نُعْطِي مَنْ حَرَمَنَا، وَ نَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمْنَا، فَيَقَالُ لَهُمْ: صَدَقْتُمْ، ادْخُلُوا الْجَنَّةَ؛<sup>۳</sup> چون روز قیامت شود، خداوند تبارک و تعالی همه مردم را از اولین نفر تا آخرین نفر در یک صحرا جمع کند، آن‌گاه آواز دهنده‌ای جار زند: کجا ایند اهل فضیلت؟ پس گروهی از مردم برخیزند. فرشتگان به استقبال آنان روند و گویند: فضل شما چه بوده است؟ گویند: ما با کسی که از ما می‌برید، پیوند برقرار می‌کردیم و به آن‌که ما را محروم می‌کرد، عطا می‌کردیم و از کسی که به ما ستم می‌کرد، گذشت می‌کردیم. پس به آنان گفته شود: راست گفتید، وارد بهشت شوید.»

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۳۹۳.

۲. ناصرالدین عبدالله بیضاوی، انوار التنزیل و اسرار التأویل، ج ۱، ص ۴۳۲.

۳. محمدرضا قمی مشهدی، کنز الدقائق، ج ۱۱، ص ۵۳۳؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۰۷، ح ۲.

### ج) جلب رحمت و غفران الهی

عفو و گذشت کریمانه، از اسباب جلب رحمت خداوندی است. خداوند متعال عفو و چشم‌پوشی از دشمنی‌های فرزندان و همسران را زمینه جلب رحمت الهی بیان کرده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»<sup>۱</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بعضی از همسران و فرزندان دشمنان شما هستند، از آنها برحذر باشید؛ و اگر عفو کنید و چشم‌پوشید و ببخشید، [خدا شما را می‌بخشد]؛ چراکه خداوند بخشنده و مهربان است».

بر اساس این آیه، این مطلب تعمیم دارد؛ یعنی اگر شما از کسی که بر شما ستم نمود، گذشتید و از او صرف‌نظر کردید؛ خدا به سبب گذشت شما بسیاری از گناهان شما را می‌بخشد.<sup>۲</sup> خداوند متعال در آیه دیگری نیز چنین می‌فرماید: «وَ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ»<sup>۳</sup> کیفر بدی، مجازاتی است همانند آن؛ و هر کس عفو و اصلاح کند، پاداش او با خداست؛ خداوند ظالمان را دوست ندارد».

خداوند در آیه فوق، عفو و چشم‌پوشی از خطای دیگران و اصلاح بدی آنان را نیکی می‌داند و گذشت را موجب پاداش ویژه خداوند برمی‌شمارد؛ همچنین در آیات ۵۲ و ۵۴ سوره قصص با ذکر داستان مؤمنان اهل کتاب که دریافت‌کننده دو اجر و پاداش برای تحمل در برابر کفار و عفو و گذشت از آزار آنان می‌باشند، توضیح می‌دهد پاداش مضاعفی را به دست می‌آورند. خداوند بخشنده و تواناست و با وجود قدرت داشتن بر انتقام، عفو و گذشت می‌کند: «إِنْ تُبْدُوا خَيْرًا أَوْ تُخَفُّوهُ أَوْ تَعْفُوا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا قَدِيرًا»<sup>۴</sup> اگر نیکی‌ها را آشکار یا مخفی سازید و از بدی‌ها گذشت نمایید، خداوند بخشنده و تواناست [و با اینکه قادر بر انتقام است]، عفو و گذشت می‌کند». بنابراین اگر می‌خواهیم از سوی خداوند مورد بخشش و عفو قرار گیریم، باید با مردمان نیز این‌گونه باشیم.

### د) شفاعت

بهره‌مندی از شفاعت الهی از دیگر آثار عفو است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «أَقْبَلُ مِنْ مُتَنَصِّلٍ

۱. تغابن: ۱۴.

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۴۵۲.

۳. شوری: ۴۰.

۴. نساء: ۱۴۹.

عُدْرَةَ فَتَنَّاكَ الشَّفَاعَةَ؛<sup>۱</sup> این حدیث بیان‌کننده این است که اگر کسی از تو معذرت خواست، تو عذر او را بپذیر تا شفاعت شفیعان فردا نصیبت شود».

### کتاب‌نامه

۱. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، چ اول، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۲. جزایری، محمدعلی، دروس اخلاق اسلامی، چ دوم، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۳۸۸ش.
۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، چ اول، بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲ق.
۴. رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، چ اول، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۷۸ش.
۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ دوم، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چ سوم، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش.
۷. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، الوافی، چ اول، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۶ق.
۸. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، چ سوم، قم: دار الکتب، ۱۴۰۴ق.
۹. لیبی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، چ اول، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶ش.
۱۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، چ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، چ چهارم، قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۵ش.
۱۲. \_\_\_\_\_، تفسیر نمونه، چ دهم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ش.
۱۳. نراقی، احمد بن محمد مهدی، معراج السعادة، چ ششم، قم: هجرت، ۱۳۷۸ش.

---

۱. محمد بن مرتضی فیض کاشانی، الوافی، ج ۲۶، ص ۲۳۹.

